

ستاره‌ها



■ نویسنده و کارگردان: فریدون جیرانی

■ بازیگران: خسرو شکیبایی، امین حیایی، اندیشه فولادوند، فهیمه راستکار و مرتضی احمدی
■ محصول: ۱۳۸۴

فریدون جیرانی با ساخت سه گانه ستاره‌ها به حاشیه‌های این هنر ورود کرد. «ستاره می‌شود»، «ستاره است» و «ستاره بود». آخری البته به اکران راه نیافت و به طور مستقیم وارد شبکه نمایش خانگی شد. فیلم اول دینی است به فراموش شدگان سینما. به بازیگری که پس از سال‌ها دوری حالا قرار است نقشی کوتاه بازی کند اما اعتماد به نفس ندارد. فیلم به خوبی مفهوم بی‌رحمی سینما را به تصویر می‌کشد و در عین حال به زندگی هنرورها (سببهای لشگرها) ورود می‌کند. «ستاره است» مشکلات چهره بودن را نشان می‌دهد و «ستاره بود» باز هم روی بی‌رحمی سینما تاکید می‌کند.

«ستاره است» می‌تواند تصویر بیانی «ستاره می‌شود» محسوب شود، همانطور که «ستاره بود» به نوعی پایان «ستاره است» به حساب می‌آید. آغاز، میان و پایان یک ستاره ... ستاره‌ای که زود می‌میرد.

«ستاره بود» شخصی‌ترین فیلم این سه گانه است که به زندگی ستاره‌های قدیمی می‌پردازد که فراموش شده و تازه پس از مرگ، بازیگران قدیمی تئاتر و سینما سعی می‌کنند او را به یاد آورند، حتی نامش را از ستاره‌های که فقدانش را یک همراز قدیمی که حالا سرایدار تئاتر لاله زار است (خسرو شکیبایی) پر می‌کند. شخصیت سرایدار در واقع عاشق قدیمی ستاره است که بودن در کنار او و مرور گذشته‌های دور را بر هر چیز دیگر ترجیح داده و در واقع تاریخ مصور ستاره قدیمی است.

گراند سینما



■ نویسنده و کارگردان: حسن هدایت

■ بازیگران: عزت‌الله انتظامی، قاسم سیف، مرتضی حاج

سیداحمدی، اکبر عبدی

■ محصول: ۱۳۶۷

حسن هدایت سال ۱۳۶۷ فیلمی به نام «گراند سینما» ساخت و در آن به ماجرای ورود و توسعه سینما و سینماداری در ایران پرداخت. ماجرای فیلم از این قرار است که شخصی به نام قراچه داغی که از مجاهدان مشروطه است، جوانی به نام معلا را موعظه و نصیحت می‌کند که خود را برای گسترش و پیشرفت سینما مثل عوامل اجنبی گرفتار نکند. پس از تهاجم مجاهدان به تهران و تسلط بر شهر، آقا یوسف روسی خان بساط خود را جمع می‌کند. سرانجام به پیشنهاد و سفارش قراچه داغی اداره سینما به معلا سپرده می‌شود. اکبر عبدی یکی از مهمترین نقش‌هایش را در این فیلم به نمایش گذاشته است. فیلم در دوره شکل‌گیری مشروطه اتفاق افتاده است و مبارزات مشروطه خواهان هم در آن دیده می‌شود و این مبارزات با رقابت سینماداران هم گره خورده است.

پله آخر

■ نویسنده و کارگردان: علی مصفا

■ بازیگران: لیلا حاتمی، علی مصفا، علیرضا

آقاخانی، حامد بهداد

■ محصول: ۱۳۹۰

«پله آخر» دومین اثر علی مصفا در مقام کارگردان (و نویسنده و تهیه‌کننده) که برداشت آزادی از «مردگان» اثر جیمز جویس و «مرگ ایوان ایلچ» اثر لئو تولستوی است. قصه‌ی لیلا (لیلا حاتمی) بازیگر سینما را روایت می‌کند که به تازگی شوهرش خسرو شهیدی (علی مصفا) را از دست داده و به ناگاه سر صحنه‌ی فیلمبرداری خنده‌ای به سراغش می‌آید و رهایش نمی‌کند.

ما قصه را از زبان خسرو می‌شنویم که راوی مرده‌ی قصه است و معمای مرگش را در نگاه به زندگی شخصی و زناشویی‌اش برای ما باز می‌کند. از نگاه او همسر پر مشغله‌اش به او علاقه‌ای نداشته و در واقع یکی از

بستگان مشترکشان، امیر (علیرضا آقاخانی) را پیش از ازدواج با او دوست داشته و همه‌ی اینها در کنار شانس، سوء تفاهم و امیال نادانسته‌ی درونی لیلا و امیر، مرگ ناگهانی او را رقم می‌زند.

«پله آخر» به طور مستقیم درباره سینما نیست، بیشتر و امادار ادبیات است. اما به دلیل دغدغه شخصی فیلمساز تصویری هجو آمیز از پشت صحنه‌ی سینما و زندگی حرفه‌ای یک بازیگر را نشان می‌دهد. تقابل رؤیا و واقعیت که در این مدیوم هنری همان سینما در برابر زندگی باشد، از مؤلفه‌های دیگری است که این اثر مستقل برگزیده را به فیلمی درباره سینما تبدیل می‌کند. فیلم از سی‌امین دوره جشنواره‌ی فیلم فجر جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی و از چهل و هفتمین دوره جشنواره فیلم کار لووی واری جایزه بهترین بازیگر زن برای لیلا حاتمی و بهترین پوستر فیلم برای محمدحسین شهیدی را برده است.

